

کارگران، سازشکاری و فرار از مبارزه متحد طبقاتی

آنچه در ایران خودرو تبریز رخ داد

تا زمانی که دستمزد و پائین و بالا بودن مزد، شالوده زندگی و مرکز پمپاژ شعور انسانها است، انسان زیستن و انسانی اندیشیدن امری خلاف جریان و نیازمند رویکردی سرمایه ستیز، رادیکال، زمینی، شرافتمندانه و جنبشی است. کاری که کارگران ایران خودرو تبریز انجام ندادند. خیل کثیر توده های کارگر دنیا و ایران هم شوربختانه و ذلت آمیز تا لحظه حاضر مترصد انجام آن نشده و نیستند. خودروسازان کارگر در تهران دو روز پیش خواستار افزایشی دو میلیون تومانی در مزدهای روز خود شدند. در همان فاصله زمانی بیش از ۴۰۰۰ کارگر ایران خودرو خراسان هم اعلام اعتصاب کردند. آنان فریاد سر دادند که از روزانه طولانی کار، ساعت ها اضافه کاری ممتد فرساینده و مرگ آور، شرائط کشنده و جنایت آمیز کار، از گرانی های انفجار آمیز بهای مایحتاج اولیه معیشتی، حقارت رعب انگیز دستمزدها و کوه نکبت و بدبختی که بر سرشان آوار است به ستوه آمده اند. حاضر به این همه اضافه کاری مزید بر ساعت های طولانی کار بدون هیچ مزد (کار اضافی - کار پرداخت نشده ای که چشمه جوشان تولید همه سرمایه ها و سودها است) نیستند. آنها گفتند که افزایش مؤثر مزدها همراه با حذف کامل اضافه کاری ها را می خواهند. صدای کارگران ایران خودرو خراسان که طنین درد مشترک دهها میلیون کارگر اهل جهنم سرمایه داری ایران بود، بدون احتیاج به «آزادی بیان و مطبوعات» دروغین بورژوازی از ورای تارهای ارتباطی همیشه، همه جا فعال طبقاتی، معیشتی با فریاد کارگران ایران خودرو تهران به هم آمیخت. در خروش اعتراض هزاران کارگر آذربایجانی نیرومند شد، از صدای اعتراض توده کارگر شاغل مپنا و تعمیرات نیروگاهی پرطنین تر گردید، همه اینها می رفتند تا پیام زیبای امید برای کارگران پیمانی نفت و اعتصاب پیوسته یا گسسته چندین ماهه آنها در ۱۱۰ مرکز کار شوند. این رخدادها اتفاق افتاد یا راه وقوع می جست و می رفت تا نمایش زمینی و واقعی قدرت متحد پیکار صد هزاران کارگر عاصی گردد که ناگهان « سیل فنا نقش امل باطل کرد» چند هزار کارگر ایران خودرو تبریز حکم به ختم اعتصاب دادند!! آنها مثل همیشه سرنوشت مبارزات طبقه خود را به «ثمن بخش» فروختند. اندکی افزایش گرفتند، با صاحبان سرمایه بیعت کردند و از همراهی و همسنجی با همزنجیران اعلام انصراف نمودند. خیلی ساده اما بسیار زمخت گفتند که «ما گلیم خویش برون می بریم ز آب» اما آنها فقط به توده معترض طبقه خود پشت نکردند، به خود، به فرزندان خویش، به بشریت پشت نمودند. آنچه زیر نام افزایش مزد میثاق سازش با وحوش سرمایه دار نمودند، بسیار قیل از آنکه وصول شود، گرد و خاک منحل در طوفان گرانی ها شده است. با بستن خود به زنجیر کار مزدی، خود را کارگر این و آن سرمایه دار دیدن، کار مزدی را سرنوشت مقدر خود یافتن، راه رهایی از گرسنگی را در افزایش چند تومانی مزد جستجو کردن، برای این افزایش به ترحم و قانون و دولت سرمایه دل بستن، راهی است که پیمودن آن تا همین لحظه حاضر کره خاکی را جهنم مشتعل ۴ میلیارد کارگر نفرین شده مقیم خود کرده است. ۴ میلیارد کارگر را در شعله های گرسنگی، فلاکت، بی آبی، بی بهداشتی، آوارگی، بیکاری، سوزانده و از هستی ساقط کرده است. در چهاردیواری سرمایه داری هیچ روزنه ای به سوی زندگی باز نیست. باید خواستار تسلط کامل بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود شد. این خواست را میدان جنگ علیه سرمایه در کل قلمروهای زندگی نمود. برای این کار باید صداها را به هم آمیخت، دست ها را به هم فشرد. یک جنبش نیرومند سراسری، شورائی ضد سرمایه داری شد. راه دیگری نیست. این را فقط ما به زبان ضد سرمایه داری نمی گوئیم. سرمایه هم با یورش ها و تهاجمات طوفانی بشرستیزانه لحظه به لحظه اش به حداقل معیشتی ما همین را می گوید و فردا با تمامی زرادخانه های قهر خود همین را خواهد گفت.